

## شبهه‌ای در تعظیم شاعر حسینی و پاسخ به آن

شیخ نجم‌الدین خضرم رازی حیلرودی (فقیه قرن ۹)  
ترجمه محمد مهدی رضایی



در مقابل توصیه اهل بیت علیهم‌السلام به تکریم و بزرگداشت شعائر حسینی، از جمله گرامیداشت تربت و بارگاه مقدس حضرت علیه‌السلام، عده‌ای از مخالفان بی‌منطق و کوردل، این امر مهم اعتقادی را بر نرفته، بی‌هیچ دلیل روشن و تنها با تمسک به برداشت‌های غلط و قیاس‌های باطل، آن را منکر شده‌اند. آنها در نهایت دشمنی و کینه‌ورزی با خاندان نبوت و پیروان ایشان، حرمت نهادن شیعیان به آثار مقدس امام حسین علیه‌السلام را به باد سرزنش و استهزا گرفته، آنان را به کفر و بی‌ایمانی و خروج از اسلام متهم می‌کنند.

در برخورد با این کج‌فهمی‌ها و بی‌خردی‌ها، شیوه عالمان شیعه همواره تحمل و سعه صدر از یک سو، و بحث و برهان آوری بر عقیده حق از دیگر سو بوده است تا حق چنان که هست، به حق جویان چهره بنماید و باطل‌گرایان همیشه در انکار خویش حیران و سرگردان بمانند. در این گفتار یک نمونه بارز از این دو نوع تعامل و موضع‌گیری متفاوت، آورده شده است:

در حدود سال ۷۰۰ هجری عالمی سنی، بلکه ناصبی به نام «شیخ یوسف بن مخزوم منصوری واسطی اعور» کتابی در رد و انکار معتقدات شیعه امامیه می‌نویسد. روش نویسنده در کتاب این گونه است که نخست فضیلتی از فضایل اهل بیت علیهم‌السلام را که شیعه بدان باور دارد، ذکر می‌کند و آن‌گاه با دگرگون کردن شکل و محتوای آن به دلخواه خود، با متوجه ساختن انواع تهمت‌ها و نسبت‌های ناروا به شیعه و طرح شبهات و نقص‌های بی‌اساس، می‌کوشد آن عقیده را مخالف آموزه‌های قرآنی و نبوی و سندی بر بطلان مذهب امامیه جلوه دهد.

سال‌ها بعد در ۸۳۹ هجری این کتاب در اختیار عالم و فقیه بزرگوار شیعه «شیخ نجم‌الدین خضر بن شیخ شمس‌الدین محمد بن علی رازی جیلرودی نجفی» قرار می‌گیرد. ایشان با نگاهی گذرا، کتابی را آکنده از نقد و انکارهای ناموجه و مشحون از سخنان ناسنجیده و باطل در رد فضایل اهل بیت علیهم‌السلام می‌بیند. پس با عزمی راسخ، برای یک جهاد بزرگ علمی، و با همه وجود، در رد شبهات آن کتاب و یاری مذهب حق می‌کوشد؛ شاید بدین وسیله، حق ولایت پیشوایان معصوم علیهم‌السلام خویش و حق برادری برادران شیعه را به بهترین شکل به انجام رساند. حاصل این تلاش و حق‌شناسی خالصانه، پدید آمدن کتابی است به نام: «التوضیح الانور بالحجج الواردة لدفع شبهة الاعور»، که جای دارد تمام این کتاب ارزشمند توسط فاضلان فرهیخته حوزه ترجمه و در دسترس همگان قرار گیرد.

درباره زندگی شخصی و علمی جناب خضر رازی جیلرودی اطلاعات چندانی در دست نیست؛ تنها به گفته مشهور بین سیره‌نویسان، وی از علمای عهد تیموری بوده و در محضر



سید شریف جرجانی (۸۳۸ هـ) در شیراز علوم معقول خوانده است. مدتی بعد با اقامت در شهر حله، بعضی از کتاب‌های خود را نگاشته و از آن‌جا به نجف هجرت می‌کند و در آن شهر، کتاب‌های دیگری چون کتاب پیش گفته یا «التوضیح الانور» را می‌نگارد. تاریخ نگارش برخی از آثار این عالم متقی، نشان می‌دهد که وی تا سال ۸۵۲ هجری زنده بوده است. فهرست آثار گرانسنگ او که به ثبت رسیده، از این قرار است:

۱. اثبات امامة الائمة الاثني عشرية

۲. کتاب فی الامامة؛

۳. تحفة المتقين فی اصول الدین؛

۴. التحقیق المبین فی شرح نهج المسترشدین؛

۵. التوضیح الانور بالحجج الواردة لدفع شبهة الاعور؛

۶. جامع الاصول فی شرح ترجمة رسالة الفصول للمحقق الطوسی؛

۷. جامع الدرر فی شرح الباب الحادی عشر؛

۸. جامع الدقائق فی شرح رسالة غرة المنطق لاستاذہ السید الشریف الجرجانی؛

۹. حقائق العرفان و خلاصة الاصول و المیزان؛

۱۰. القوانين؛

۱۱. کاشف الحقائق فی شرح رسالة درة المنطق؛

۱۲. مفتاح الغرر.<sup>۱</sup>

جناب خضر رازی در نقد آرا و اندیشه‌های توهّم‌آلود «اعور» ابتدا شبهه ناوارد از سوی او را بازمی‌گوید و آن‌گاه با دلایل محکم و براهین قاطع، چنان راه را به او و همفکران دیروز و امروز سد می‌کند که به ناچار، از پذیرش حق ناگزیر شوند و هیچ راه گریزی نیابند. از کتاب «التوضیح الانور» شبهه مربوط به بزرگداشت و تکریم تربت امام حسین علیه السلام و پاسخ آن را گزینش و ترجمه کرده‌ایم که در ادامه این نوشتار خواهد آمد.<sup>۲</sup> این شبهه امروز نیز به شکل‌های گوناگون طرح می‌شود و بعضی بی‌خبران و کم‌دانشان را منحرف می‌سازد. با این همه، بی‌شک برای دشمنان اعور خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله که چشم حق‌بینشان کور گشته، این آرزو محقق نخواهد شد که برای همیشه خورشید فضایل اهل بیت علیهم السلام را در پس ابرهای تیره شبهات و کینه‌توزی‌های خود پنهان بدارند و با ناحق‌گویی‌های خود، پیروان ایشان را در چشم مردم جهان ضایع سازند و حقانیت تشیع را لگد کوب اهواء و اغراض پست دنیایی خویش قرار دهند.

## متن شبیهه «اعور» و پاسخ «خضر رازی»:

**اعور گوید:** از اعمال ویژه شیعیان آن است که از تربت حسین علیه السلام مهر و تسیح می سازند و بر آن سجده می کنند. چون به سجده روند، آن را زمین گذارند و چون برخیزند، به دست گیرند و بر تربت پیامبران و اولیاء الله برتری اش می دهند. آیا این کار، بزرگ ترین بدعت نیست با این که می دانیم این تربت که استفاده خاصی از آن می کنند، در زمان حسین نبوده و بعداً حادث شده است؟! نوظهورتر و بدعت آمیزتر از تسیح و مهر، بناهایی است که به نام مردگان می سازند و به این پندار که آنها زنده اند، آن مکان ها را تکریم و تقدیس می کنند. این جز یک دروغ و باور مسخره چیزی نیست؛ چرا که خداوند تا روز رستاخیز، هیچ مرده ای را زنده نمی کند.

از ناپسندترین اعمال شیعه، تبرک جستن به بارگاه حسین علیه السلام و دست سودن بر در و دیوار آن و بوسیدن درگاه حرم او و نذر کردن برای اوست. آنها چیزی را می بوسند و تکریم می کنند و برایش نذر می نمایند که ساخته و پرداخته دست خودشان است؛ همچون بت هایی که کافران به عمل می آوردند و می پرستیدند.

**بنده [خضر رازی] گویم:** اگر روایاتی را که در فضیلت تربت شریف حسین علیه السلام وارد شده، در نظر نگیریم، بی شک به اجماع فقهای چهار مذهب اهل سنت، بهترین سجده آن است که بر خاک باشد؛ چون با خضوع و فروتنی در برابر پروردگار عالم تناسب بیشتری دارد. همچنین به اجماع اهل بیت پاک پیامبر صلی الله علیه و آله در حال اختیار، جز بر زمین و آنچه از زمین پوشیدنی و خوردنی نباشد، نمی توان سجده کرد. اینک ای اعور دشمن اهل بیت علیهم السلام و نادان ترین

جناب خضر رازی در نقد آرا و اندیشه های توهم آلود «اعور» ابتدا شبیهه ناوارد از سوی او را باز می گوید و آن گاه با دلایل محکم و بر اهین قاطع، چنان راه را به او و همفکران دیروز و امروز سد می کند که به ناچار، از پذیرش حق ناگزیر شوند و هیچ راه گریزی نیابند.

**بنده [خضر رازی] گویم:** اگر روایاتی را که در فضیلت تربت شریف حسین علیه السلام وارد شده، در نظر نگیریم، بی شک به اجماع فقهای چهار مذهب اهل سنت، بهترین سجده آن است که بر خاک باشد؛ چون با خضوع و فروتنی در برابر پروردگار عالم تناسب بیشتری دارد. همچنین به اجماع اهل بیت پاک پیامبر صلی الله علیه و آله در حال اختیار، جز بر زمین و آنچه از زمین پوشیدنی و خوردنی نباشد، نمی توان سجده کرد. اینک ای اعور دشمن اهل بیت علیهم السلام و نادان ترین جاهلان! سجده شیعیان بر تسیح و مهری که از تربت حسین علیه السلام عمل آمده باشد، چه اشکال و محذوری دارد؟!

جاهلان! سجده شیعیان بر تسبیح و مهری که از تربت حسین علیه السلام عمل آمده باشد، چه اشکال و محذوری دارد؟!

این که گفته: «چون به سجده روند، آن را گذارند و چون برخیزند، به دست گیرند» سخنی یکسره باطل است. اگر هم چنین کنند، برای تقیه و پنهان داشتن مذهب خود از چشم خوارج فاسق است. البته این کار در صورتی سزاوار است که گمان دارد مخالفان به حال او آگاه نمی‌شوند؛ و گرنه باید بر آنچه آنان سجده می‌کنند، سجده کند؛ هر چند در حال اختیار، سجده بر آن را جایز نداند. این کار تبعیت از امام صادق علیه السلام و امتثال سخن اوست که فرمود: «تقیه، دین من و دین پدران من است.»<sup>۳</sup> سخن مشهور پیامبر صلی الله علیه و آله نزد شیعه و اهل سنت، مؤید این معناست که گفته‌اند: «طلا، رفت و آمد و عقیده خود را پنهان مدار.»

اما این گفته اعور بیچاره و بدبخت که «شیعیان تربت حسین را به تربت پیامبران و اولیاء الله برتری می‌دهند» نشان دهنده بی‌خبری او از کتب علمای شیعه و بی‌مبالاتی او در تهمت و افتراست. در روایاتی که راویان ثقة نقل کرده‌اند و بر فضیلت آن تربت شریف دلالت دارد. ۱. از محمد بن احمد بن داود، از حسین بن محمد بن علان، از حمید بن زیاد، از عبیدالله بن نهیک، از سعد بن صالح، از حسن بن علی بن ابی‌مغیره، از بعضی اصحاب نقل شده که گفت: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: من درد و بیماری‌هایی دارم و تاکنون هر دارو و درمانی را به کار برده‌ام. فرمود: «چرا از خاک قبر حسین علیه السلام بهره نمی‌بری که هر دردی را درمان می‌کند و هر ترسی را امان می‌دهد. هنگام برداشتن خاک قبر، بگو: خدایا! تو را خواهانم به حق این خاک و به حق فرشته‌ای که آن را برگرفت و به حق پیامبری که آن را قبض نمود و به حق وصی‌ای که در آن آرامید، بر محمد و خاندانش درود فرست و در این خاک شفای هر دردی را قرار ده و امان از هر هراسی را.» آن‌گاه فرمود: «آن فرشته که از آن خاک برگرفت، جبرئیل علیه السلام بود که خاک را به پیامبر صلی الله علیه و آله نشان داد و گفت: این تربت فرزند توست که امتت، پس از تو، او را می‌کشند، و پیامبری که آن را قبض نمود، محمد صلی الله علیه و آله بود و وصی‌ای که در آن آرامید، حسین علیه السلام سرور شهیدان جوان بود.» عرض کردم: دانستم که این تربت، هر دردی را شفا می‌دهد؛ اما چگونه از بیم و هراس در امان می‌دارد؟ فرمود: «چون از سلطان و جزا و ترسان شوی، جز با مقدای از خاک قبر حسین علیه السلام از خانه‌ات بیرون مرو، و هنگام برداشتن آن بگو خدایا! این خاک قبر حسین علیه السلام ولی و فرزند ولی توست. برای در امان ماندن از آنچه می‌ترسم و نمی‌ترسم، آن را برداشتم. بی‌شک هر هراسی را از تو دور می‌کند.»

راوی گوید: به همان شیوه که امام علیه السلام فرموده بود، تربت را برداشتم؛ پس تندرست شدم و تربت مرا از هر ترسی در امان داشت و پس از آن، بحمدالله، هیچ امر ناخوشایندی ندیدم.<sup>۲</sup>

۲. از ابوقاسم جعفر بن محمد، از پدرش، از سعد بن عبدالله، از احمد بن سعید، از پدرش، از محمد بن سلیمان بصری، از پدرش، از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود: «در خاک قبر حسین علیه السلام شفای هر دردی نهفته است، و آن بزرگ‌ترین درمان است».<sup>۳</sup>

۳. از ابوالقاسم جعفر بن محمد، از محمد بن جعفر رزّاز، از محمد بن حسین بن ابی‌الخطاب، از موسی بن سعدان، از عبدالله بن قاسم، از حسین بن ابی‌العلاء نقل شده است که گفت: شنیدم امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «کام فرزندانان را با تربت حسین علیه السلام بردارید که مایه امان و امنیت است».<sup>۴</sup>

۴. از محمد بن احمد بن داود، از پدرش، از محمد بن جعفر مؤدّب نقل شده است که گفت: روایت کرد برای ما حسن بن علی بن شعیب صانغ، معروف به ابی‌صالح، به نقل از یکی از اصحاب موسی بن جعفر علیه السلام که گفت: خدمت امام رسیدم؛ فرمود: «شیعیان ما از چهار چیز بی‌نیاز نتوانند بود: تکه‌ای حصیر از برگ خرما که بر آن نماز گزارند؛ انگشتری که به دست کنند؛ مسواکی که بدان دندان بشویند و تسبیحی از خاک قبر حسین علیه السلام که در آن سی‌وسه دانه باشد. هر گاه آن را بگرداند و ذکر خدا بگوید، به هر دانه چهل حسنه برایش نویسند و اگر بی‌ذکر گرفتن بگرداند، بیست حسنه».<sup>۵</sup> و دیگر روایات در این باب که مسلم از ائمه علیهم السلام وارد شده است.

اما این سخن اعورِ بدنهاد که گفت: «این تربت با استفاده خاصی که از آن می‌کنند، در زمان حسین علیه السلام نبوده و بعداً حادث شده است» اگر صحیح باشد، ضرری به باور و عمل شیعیان نمی‌رساند؛ چرا که در روایات ائمه، ایشان به برگرفتن تربت و تبرک جستن به آن توصیه شده و فضیلت‌های بسیار برای آن بر شمرده‌اند؛ چنان که گذشت.

گفتم: «اگر صحیح باشد؛ حال آن که چنین نیست؛ زیرا اساس بقعه مبارک حسینی و تربت شریف او، از آغاز آفرینش، وجود داشته؛ هر چند بیان شرافت آن، امری است حادث و دستور به گرفتن تربت و درمان جستن به آن، به طور قطع از پیشوایان معصوم علیهم السلام صادر شده است.

ظاهر بودن ائمه علیهم السلام که در جوار رحمت حق آرمیده‌اند، همچون ظهور پیامبر صلی الله علیه و آله بر خواص است در خواب است. نمی‌دانم چگونه حدیث «مؤمن، در دو عالم زنده است» بر این کوردل یک چشم مخفی مانده است! بی‌شک بین این ظهور و بروز و زنده نشدن اجسام تا روز قیامت، هیچ منافاتی نیست؛ آن‌گونه که دشمن نادان و پست گمان کرده است.

و سخن او که «از زشت‌ترین کارهای شیعه، تبرک جستن به مقام و بارگاه حسین است» تا پایان کلام ناپسندش، به دو جهت بی‌وجه و مردود است:

الف: انکار زیارت امام حسین علیه السلام و تبرک جستن به ایشان و بوسیدن درگاه حرم شریفش، نشانه کینه و دشمنی بیش از حد «اعور» است. او چیزی را منکر شده که از بدیهیات و باورهای روشن دین اسلام به شمار می‌آید و همه امت اسلامی، شیعه و اهل سنت، آن را پذیرفته و اعتراف دارند که محبت به اهل بیت پاک پیامبر صلی الله علیه و آله و توسل به ایشان و زیارتشان برای کسب خشنودی پروردگار و نزدیک شدن به پیامبر صلی الله علیه و آله امری است واجب؛ زیرا خداوند مودت آنان را پاداش رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله قرار داده؛ آن‌جا که می‌فرماید: «من در برابر رسالتم پاداشی جز مودت اهل بیتم از شما نمی‌خواهم».<sup>۸</sup>

ب: مانند کردن زیارت امام حسین علیه السلام و بزرگداشت مرقد شریف او به بت‌پرستی کفار، دلیل کوردلی سخت و نادانی در حد کمال وی است. زیارت حسین علیه السلام چونان زیارت جد بزرگوارش پیامبر صلی الله علیه و آله و دیگر فرستادگان الهی و اولیای شایسته است. پس زیارت ایشان هم باید زشت و ناپسند باشد؛ حال آن‌که به اجماع مسلمانان چنین نیست. در این باره روایات زیر شایسته توجه است:

۱. راویان ثقة از امام صادق علیه السلام نقل کرده‌اند که فرمود: روزی حسن بن علی علیه السلام در دامان رسول خدا صلی الله علیه و آله نشسته بود؛ پس سربلند کرد و گفت: پدر! پاداش آن کس که پس از رحلت تو، زیارت کند، چیست؟ فرمود: «فرزندم! هر که پس از مردنم به زیارت من آید، بهشت بر او واجب شود و هر کس پس از مرگ پدرت [علی علیه السلام] او را زیارت کند، بهشت بر او واجب شود و هر کس پس از شهادت برادرت [حسین علیه السلام] او را زیارت کند، بهشت بر او واجب شود و هر که پس از جان سپردنت، تو را زیارت کند، بهشت بر او واجب شود».<sup>۹</sup>

۲. در روایت علی بن شعیب از امام صادق علیه السلام آمده است که فرمود: روزی حسین علیه السلام در دامان رسول خدا صلی الله علیه و آله نشسته بود؛ پس سربلند کرد و گفت: ای پدر! پاداش آن کس که پس از رحلت شما، تنها به زیارت شما آید، چیست؟ فرمود: «فرزندم! هر که پس از وفات من، تنها برای زیارت من آید، بهشت بر او واجب گردد و هر کس پس از رحلت پدرت، تنها به قصد زیارت، او را زیارت کند، بهشت برای اوست و هر کس پس از وفات برادرت، تنها به قصد زیارت، او را زیارت کند، بهشت برای اوست و هر کس پس از شهادت تو، تنها به قصد زیارت، تو را زیارت کند، بهشت برای اوست».<sup>۱۰</sup>

۳. معلی بن شهاب گوید: حسین علیه السلام به رسول خدا صلی الله علیه و آله عرض کرد: ای پدر! پاداش آن که شما را زیارت کند، چیست؟ فرمود: «فرزندم! هر کس زنده یا مرده مرا زیارت کند، یا پدرت یا برادرت یا تو را زیارت کند، بر من لازم است که در روز قیامت او را دیدار کنم و از بند گناهانش رها سازم».<sup>۱۱</sup>

۴. از حسین بن محبوب، از اسحاق بن عمار نقل شده که گفت: شنیدم امام صادق علیه السلام می فرماید: «همه فرشتگان آسمانی خواسته‌شان از خداوند این است که اجازه دهد حسین علیه السلام را زیارت کنند. پس گروهی فرود آینده و گروهی بالا روند».<sup>۱۲</sup>

### پی‌نوشت‌ها:

۱. برگرفته از مقدمه مصحح (سید مهدی رجایی) بر کتاب.
۲. نسخه مورد استفاده: التوضیح الانور بالحجج الواردة لدفع شبهة الاعور، خضر رازی حبلرودی، تحقیق: سید مهدی رجائی، کتابخانه آیه‌الله مرعشی نجفی، قم، ۱۴۲۴ق.
۳. محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۲۱۹، ح ۱۲.
۴. شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۶؛ ص ۷۴ - ۷۵، ح ۱۵.
۵. همان، ح ۱۱.
۶. همان، ح ۱۲.
۷. همان، ص ۷۵، ح ۱۶.
۸. شوری، آیه ۲۳.
۹. تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۲۰، ح ۱.
۱۰. همان، ص ۲۲، ح ۵.
۱۱. اسکافی، ج ۱۴، ص ۵۴۸، ح ۴.
۱۲. ابن‌فتال نیشابوری، روضة الواعظین، ج ۱، ص ۱۹۴.

◆  
انکار زیارت امام حسین علیه السلام و تبرک جستن به ایشان و بوسیدن درگاه حرم شریفش، نشانه کینه و دشمنی بیش از حد «اعور» است. او چیزی را منکر شده که از بدیهیات و باورهای روشن دین اسلام به شمار می‌آید و همه امت اسلامی، شیعه و اهل سنت، آن را پذیرفته و اعتراف دارند که محبت به اهل بیت پاک پیامبر صلی الله علیه و آله و توسل به ایشان و زیارتشان برای کسب خشنودی پروردگار و نزدیک شدن به پیامبر صلی الله علیه و آله امری است واجب.